

ده ها هزار تن کارگر و زحمتکش، در سراسر میهن استبداد زده ما، روز ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر را به طرق مختلف جشن گرفتند. در تهران هزاران کارگر و زحمتکش به سمت مجلس شورای اسلامی به حرکت درآمدند و خواهان رسیدگی حاکمیت به وضعیت دشوار خود شدند.

در قطعنامه کارگران و زحمتکشان تهران، در رد سیاست های مخرب کلان سرمایه داری و غارتگران منافع ملی، و در توضیح خواست های کارگران از جمله آمده است: «از نظر ما کار پیمانی در شرکت های تولیدی نوعی استثمار آشکار انسان از انسان است. شرکت هایی که انسان را به عنوان کالا در اختیار شرکت های مختلف قرار می دهند، جز بهره کشی و دزدی از کارگران، می دهند، جز بهره کشی و دزدی از حاصل کار کارگران، منشا هیچ نوع خدمتی به حساب نمی آیند... کار روز مزدی که از ابداعات جدید استثمارگران علیه نیروی کار به حساب می آید می رود تا امنیت شغلی کارگرانی را که با قرار دادهای موقت و کار پیمانی تهدید می شوند بیش از

پیش تضعیف نماید.» قطعنامه کارگران همچنین بدرستی تأکید می کند که: «مذاکره دستجمعی فی ما بین کارگر و کارفرما و پیمان های دو طرفه بهترین راه حل مشکلات کارگران و کارفرمایان است. همان طوری که آزادی انتخاب شغل حق هر فردی است، کار نکردن هم چه به طور فردی و چه به طور جمعی برای وصول و ارتقای شرایط صنفی حتی است که قانون کار آن را محترم داشته است.

کارگران خواهان حمایت قانونی از کسانی هستند که برای وصول حق خویش ناچار به اعتصاب می شوند. «کارگران در همین قطعنامه همچنین خواهان برخورد جدی به پدیده بیکاری و ریشه کن کردن آن از جامعه شدند. بر اساس گزارش های رسیده کارگران در شهرهای دیگر ایران از جمله مشهد و اصفهان با تظاهرات و شعارهای مشابهی روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

تاکتیک های کارآمد بسیج توده ای

به گزارش روزنامه «نوروز»، دوشنبه ۳ اردیبهشت، تربیون آزاد دانشجویی دانشگاه خواجه نصیر که قرار بود توسط انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه با عنوان اعتراض به شکل گیری اختناق ملی برگزار شود به دلیل عدم صدور مجوز و غیر قانونی اعلام شدن تجمع از

روز جهانی کارگر در سراسر ایران برگزار شد

«از نظر ما کار پیمانی در شرکت های تولیدی نوعی استثمار آشکار انسان از انسان است. شرکت هایی که انسان را به عنوان کالا در اختیار شرکت های مختلف قرار می دهند، جز بهره کشی و دزدی از حاصل کار کارگران، منشا هیچ نوع خدمتی به حساب نمی آیند...»
«...کارگران خواهان حمایت قانونی از کسانی هستند که برای وصول حق خویش ناچار به اعتصاب می شوند.»

از قطعنامه روز اول ماه کارگران در تهران

ضمیمه

نامه مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۰۷، دوره هشتم

سال هفدهم، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۰

«انتخابات» بدون حق انتخاب

«حدود ۵۵ درصد داوطلبان با استناد به بند ۳ ماده ۲۸ قانون، یعنی عدم ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت فقیه» رد صلاحیت کرده است. جالب تر اینکه به گفته ستاد انتخابات کشور، مستقر در وزارت کشور «۵۸ درصد رد صلاحیت شدگان در سال گذشته توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت شده بودند و ۱۶ نفر از رد صلاحیت شدگان سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی را دارند و تعداد قابل توجهی از رد صلاحیت شدگان از جانبازان انقلاب و جنگ تحمیلی می باشند.»

اگر چه انتخابات میان دوره ای مجلس از اهمیت چندانی برخوردار نیست با این وجود عمل شورای نگهبان رژیم اعتراض وسیع گروه های سیاسی - اجتماعی کشور را به همراه داشته است. آیت الله منتظری در اعلامیه بی درباره حرکات اخیر مرتجعان حاکم بدرستی یاد آور شد که: «اهدافی که جناح حاکم و مخالف اصلاحات اساسی در سال های اخیر از سرکوب ها و قلع و قمع روزنامه نگاران، دانشجویان، روشنفکران و نخبگان جامعه و روحانیین آزادیخواه دنبال می کند برهنگان روشن است، جناح حاکم برای حفظ قدرت سیاسی و اقتصادی خود با هر نحو آزادی خواهی و اصلاح طلبی از هر قشر جامعه برخورد می کند و توجه ندارد که این رویه نتیجه معکوس دارد. و ظاهراً شدت عمل اخیر در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری است که در پیش روست و هدف آنان کانالیزه کردن انتخابات به نفع خویش و کنار زدن قشرهای وسیعی از ملت است... اگر انتخابات در کانال خاصی بیفتد طبعاً انتخاب نبوده و شرکت در آن و تأیید آن در حقیقت امضاء ابطال و تضییع حقوق دیگران می باشد...

ادامه در صفحه ۲

با اعلام اسامی نامزدهای انتخابات میان دوره ای مجلس شورای اسلامی و با اعلام این مسأله که شورای نگهبان ارتجاع کلیه نامزدهای منتسب به جبهه دوم خرداد را رد صلاحیت کرده است. بار دیگر این حقیقت در معرض قضاوت افکار عمومی مردم ما قرار گرفت که برای مرتجعان حاکم متوله بی بنام انتخابات چیزی جز یک بازی تبلیغاتی برای فریب افکار عمومی نیست. به گمان تاریک اندیشانی که اهرم های مهم حاکمیت سیاسی را در انحصار خود گرفته اند، انتخابات یعنی تأیید نامزدهای ارتجاع از سوی مردم و نه چیز دیگری. در این دستگاه فکری فاسد و عمیقاً ضد مردمی مردم نه تنها حق انتخاب ندارند بلکه باید با آنها به عنوان مثنی «صغیر» و «نادان» که توان فکر کردن و تصمیم گیری مستقل ندارند یادآوری کرد که اگر در چارچوب های از پیش تعیین شده رهبر «فکر نکنند» و یا حرکتی خلاف آن صورت دهند، به انواع و اقسام «توطئه ها بر ضد نظام» متهم خواهند شد و توسط دستگاه «قضایی» رژیم در جبهه «براندازی» قرار خواهند گرفت و داغ و درفش، شکنجه و اعدام در انتظارشان خواهد بود.

بر اساس گزارشی که ایرنا، روز دهم اردیبهشت ماه، از قول ستاد انتخابات کشور مخابره کرد: «غیر از ۳۴ داوطلب رد صلاحیت شده در هیئت های اجرایی»، در نخستین مراحل، ۱۱۱ نفر دیگر نیز توسط هیئت های نظارت شورای نگهبان رد صلاحیت شده اند. بر اساس همین گزارش هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان «۸۷ درصد داوطلبان را به دلیل عدم التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی» و

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه تاکتیک های کار آمد ...

سوی هیات نظارت دانشگاه برگزار نشد.

در این تریبون آزاد که قرار بود در اعتراض به توقیف یکساله مطبوعات، نفی حقوق شهروندی منتقدان و بازداشت ۴ ماهه علی افشاری برگزار شود جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی اخیر نیز حضور داشتند.

صرفنظر از اتفاقات پیرامونی حول این نشست، نکته مورد نظر اینکه هراس مرتجعان حاکم از چنین تجمعاتی به خوبی هویدا می باشد و همین امر نشان دهنده کارآیی و لزوم گسترده کردن چنین تجمعات را دارد.

به همین منظور با استفاده از بسترهای عینی و کاملاً مناسب می توان از این طریق ضمن ارتقای رشد و آگاهی توده ها، سدی محکم در برابر سرکوب گری های جناح حکومتی طرفدار سرکوب ایجاد کرد. همین گزارش کوتاه به خوبی نمایان گر پویایی و عمق آگاهی جنبش دانشجویی پس از یک دوره سرکوب مداوم ارتجاع بر ضد این گردان جنبش مردمی است. جنبش مردمی باید با استفاده از چنین تاکتیک های کارآ و مفید، در ارتقای کیفی جنبش قدمی به جلو بردارد. حتی اگر مثل مورد بالا نتوان به تشکیل چنین نشست هایی مبادرت کرد اما صرف تلاش برای چنین مهمی که در نهایت موجب اصطکاک بیشتر بین جنبش مردمی و سرکوب گران می گردد، در نهایت به نفع جنبش مردمی تمام می شود. نباید با سکوت و آرامش به سرکوب گران اجازه داد برنامه های ضد مردمی خود را عملی سازند. باید با به چالش کشاندن مداوم آنها توان سرکوب گری را از آنها گرفت و زمینه های مشارکت هر چه بیشتر توده ها را فراهم کرد.

شریعتمداری و اعمال ثبت نشده اش!؟

حسین شریعتمداری، چهره منور رژیم ولایت فقیه، شکنجه گر و بازجوی آزادی خواهان و اندیشمندان برجسته میهنمان، در یک نشست دانشجویی در دانشگاه صنعتی شریف، در جواب سوال دانشجویی مبنی بر اینکه چگونه نقش خودش را در پروژه تواب سازی توجیه می کند، گفت: «من بحث و گفتگو با کسانی که در اثر فریب گروهکهای ضد انقلاب با آنها همراه شده بودند و بازگرداندن آنان به آغوش اسلام و انقلاب را افتخار می دانم و خدا را شکر می کنم که این توفیق را از من دریغ نفرموده است. و حالا هم اگر از بنده برای این کار دعوت شود در خدمت خواهم بود. کسانی باید شرمند باشند که با عراق و آمریکا همکاری کرده و به روی مردم وطن خویش اسلحه کشیده اند.»

وی در پاسخ به این سئوال که آیا وی سربازجو بوده است؟ گفت: «من بازجو و سربازجو نبوده ام ولی همانطور که بارها گفته ام از اینکه تواب بازجویی در نظام اسلامی در نامه اعمالم ثبت نشده است تاسف می خورم.» (کیهان، دوشنبه ۳ اردیبهشت).

نحوه سوالات مطرح شده از طرف دانشجویان عمق نفرت و در ضمن شناخت، نسبت به یکی از مهره های منور رژیم را نشان می دهد. از همین روست که شریعتمداری گویز وار گستاخانه شکنجه آزاد بردان و زنان دلیر در بند رژیم ولایت را از افتخارات خود دانسته و به آن می بالد.

شریعتمداری ها، فلاحیان ها، حسینیان ها، رازینی ها، و امثالهم گرچه امروز هنوز بدون پرده پوشی جنایات خود را در انظار عمومی بیان می کنند اما به باور یک نیروی انقلابی، دریای خروشان که از دوم خرداد ۷۶ به اینسو در تلاطم بوده است در نهایت موج های سهمگین خویش را بر سر جنایت کارانی همچون شریعتمداری فرود می آورد و درس آموزنده مقابله با توده ها را دگر بار تکرار خواهد کرد.

ادامه انتخابات بدون حق ...

اینجانب بارها گفته ام که نظارت استصوابی شورای نگهبان نیز به اساس انتخابات لطمه می زند و برخلاف روح قانون اساسی است...»

با توجه به حوادث و موضع گیری های مجلس شورای اسلامی در ماه های اخیر، روشن است که ارتجاع حاکم مترصد است با استفاده از اهرم شورای نگهبان وضعیتی را به وجود آورد که بر اساس آن بتوان شماری از کرسی های مجلس را اشغال کند. به این سیاست نباید به هیچ وجه تن داد. نباید اجازه داد مشتی مرتجع حق مردم را در تعیین نامزدهای مورد قبولشان تضییق کنند. مردم در چهار سال گذشته تاکتیک های گوناگونی را در برخورد با رژیم اتخاذ کرده اند که در هنگام خود بسیار موثر بوده است.

جنبش مردمی باید با سازمان دهی افشاگری وسیع و اعتراض بر ضد این اقدامات ضد مردمی شورای نگهبان و ارتجاع حاکم نشان دهد که آماده است تا با ترفندهای جناح «ذوب در ولایت» برای محروم کردن مردم از حق انتخاب آزاد نامزدهای مورد نظرشان مقابله کند. باید توجه کرد که انتخابات میان دوره ای مجلس تنها آماده کردن زمینه برای انتخابات ریاست جمهوری است و تسلیم شدن در برابر خواست های ارتجاع در این مرحله می تواند عواقب جدی برای مراحل بعدی به همراه داشته باشد.

جنبش مردمی با حرکت سازمان یافته و متحد می تواند به ارتجاع حاکم نشان دهد که دوران «آمریت» بسرعت روبه پایان است و مردم ستم دیده میهن ما بی شک در مقابل تحریکات رژیم استبدادی بی تفاوت و یا بی عملی را پیشه نخواهند کرد.

تئورسین های ارتجاع پنهان نمی کنند که در مقطع فعلی باید از همه امکانات برای سرکوب «قانونی» نیروهای دگراندیش استفاده کرد و روند اصلاحات را به «صفر بازگرداند». امیر محبیان، از نظریه پردازان استبداد و سرمقاله نویس روزنامه «رسالت» در این زمینه با روشنی می گوید: «ترمیم روابط بین دو جناح عمده کشور منوط به چگونگی پیشبرد خط بازگرداندن جریان سوم به نقطه صفر است...» بر اساس همین نظر «پیشبرد خط بازگرداندن جریان سوم به نقطه صفر منظور به پیاده سازی ظریف یک استراتژی همه جانبه و مدارانه است، در پیشبرد این خط نکات ذیل شایسته است که مورد توجه قرار گیرد: الف) برخورد قانونی: تمامی استراتژی باید در چارچوب قانون به اجرا درآید... ب) رویارویی با جریان و نه افراد...»

بر این اساس نیروهای مدافع اصلاحات، در میهن ما، باید با دقت و هوشیاری نقشه های ارتجاع برای سرکوب «قانونی» جنبش را افشاء کنند و با بسیج و سازمان دهی و استفاده از همه امکانات موجود مبارزه، به مقابله با رژیم استبدادی «ولایت فقیه» بروند.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1 May 2001

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 607
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse